

Anahita A Research Journal of Persian Language, Literature Art & Culture No. 05, 2018, pp 75-88	آناهیتا مجله علمی- پژوهشی زبان، ادبیات، فرهنگ و تمدن فارسی شماره: 05 سالنامه 2018 ، میلادی، صص 75-88
---	--

Study of seed as a Conceptual metaphor in Mersad-al-Ebad by Najm-al-Din Razi

*Mahdi Maleksabet

**Zahra Dehghan Dehnavi

Abstract:

Conceptual metaphor is a subject in cognitive linguistics that studies the metaphors in the mind of the writer or speaker as part of his thinking system; it can be helpful to understand the base of the author's intellectual foundation and its diverse dimensions. Mersad-al-Ebad is one of the important mystical texts in Persian language and is written by Najm-ud-Din Razi in the light of the "seed" as a conceptual metaphor in Mersad –al –Ebad, we can see that the author has a special attention to this subject throughout his book; by classifying the metaphor of seed in this text, we can conclude that this metaphor is based on this general metaphor that "the word is a seed". The roots of such thinking probably can be explored in cultural, social, geographical, language of Najm-al-Din.

Keywords: Conceptual metaphor, seed, Mersad-al-Ebad, Persian mystical texts

بررسی استعاره مفهومی «بذر» در مرصادالعباد نجم‌الدین رازی

*مهدی ملک‌ثابت

**زهرا دهقان‌دهنوی

چکیده:

استعاره مفهومی موضوعی در زبان‌شناسی شناختی است که موضوع آن بررسی استعاره‌هایی است که در ذهن نویسندگان یا گوینده به عنوان بخشی از نظام تفکری او وجود دارند؛ بررسی این موضوع می‌تواند به شناخت زیربنای فکری نویسندگان و ابعاد گوناگون آن کمک کند. مرصادالعباد از متون مهم عرفانی زبان فارسی و تألیف نجم‌الدین رازی (573-654 ه.ق.) است که با استفاده از تمثیل، استعاره، آیات و احادیث فراوان در زمینه عرفان اسلامی نوشته شده است. در بررسی استعاره مفهومی «بذر» در مرصادالعباد اثر نجم‌الدین رازی مشخص می‌شود که این نویسنده به این مفهوم استعاری در سراسر اثر خود توجه ویژه داشته است؛ پس از طبقه‌بندی استعاره‌های مفهومی مربوط به بذر در این اثر به این نتیجه می‌رسیم که این استعاره‌ها برپایه استعاره کلی‌تر «جهان آفرینش بذر است» شکل گرفته در نهایت استعاره کلی «خداوند کشاورز است» را به ذهن متبادر می‌سازد. ریشه‌های چنین تفکری را در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، جغرافیایی، زبانی و اعتقادی نجم‌الدین رازی می‌توان جستجو کرد.

کلمات کلیدی: مرصادالعباد، استعاره مفهومی، بذر، زبان‌شناسی شناختی، متون عرفانی

1- مقدمه

نجم‌الدین رازی (573-654 ه.ق.)، اهل ولایت ری، از عرفای سنی مذهب پیرو اشاعره است که در تصوف شیوه‌ای معتدل دارد (حد میانه زهد و جذبه) و معتقد به اصول خانقاهی است. وی در زمان حمله مغول خود را به دربار امن «علاءالدین کیکباد [اول]»، ششمین پادشاه سلجوقی رُم رسانده اثر خود «مرصادالعباد من المبدأ الی المعاد» را به او تقدیم کرد (ریاحی، 1387: 10-30).

«مرصادالعباد» از متون عرفانی قرن هفتم است؛ در متن این کتاب تأثیرپذیری فراوان از آیات و احادیث و ادب عربی، در کمال هنرمندی به چشم می‌خورد و نثر کتاب فنی و سرشار از آرایه‌های زیبایی‌شناسانه مانند تشبیه، استعاره و تمثیل است. (همان: 64)

به باور دانشمندان علم زیانشناسی شناختی، برای درک صحیح استعاره‌های مفهومی باید دانش، بیولوژی، فرهنگ و خرده‌فرهنگ‌ها را در هر جامعه‌ای بررسی کرد ... (هاشمی و قوام، 1392: 80) بنابراین عرفان و جامعه عارفان نیز خرده فرهنگی است که ذهنیت استعاری ویژه خود را دارد و برای درک و دریافت این ذهنیت می‌توان آثار مکتوب به جا مانده از نظریه‌پردازان این خرده‌فرهنگ را بررسی کرد.

از دیدگاه سنتی استعاره یکی از انواع آرایه‌های ادبی مورد استفاده در متون ادبی است؛ بر اساس نظریه ارسطو، استعاره، مقایسه دو پدیده با یکدیگر است که یکی از آن‌ها که پدیده‌ای مخفی در زبان است، به وسیله ذکر دیگری که در زبان آشکار شده دریافت می‌شود (ارسطو، 1371: 206).

عبدالقاهر جرجانی استعاره را برآوردی از تعامل معنایی بین دو چیز قلمداد کرده است (انوار و عبدالحسینی، 1389: صص 13-14) این دیدگاه، استعاره را در اصل آرایه‌ای ادبی می‌داند، که به گونه‌ای موجزتر و هنری‌تر از تشبیه در کلام ادبی و بویژه در شعر به کار گرفته می‌شود. (ر.ک. کزازی، 1368: 94 و 97؛ همایی، 1377: 250؛ شمیسا، 1381: 57؛ شفیع‌ی کدکنی، 1378: 7 و 113) در این دیدگاه، استعاره موضوعی زبانی است نه موضوعی فکری و ذهنی و بستر ظهور و بروز آن نیز تنها متن ادبی است نه زبان و گفتار عادی.

برای نخستین بار، کالریج در تبیین دیدگاه‌های خود به عنوان پایه‌های مکتب ادبی رمانتیسیسم، به ارزش اندیشه و بعد تفکر در استعاره توجه نشان داد (هاوکس 1377: 58-59). در دیدگاه‌های معنی‌شناسانه علم بلاغت، معنا و کشف آن مهمترین مسأله قلمداد شد (ریچاردز، 1382: 47). دانش معنی‌شناسی با مطالعه معنی، موضوع کشف چگونگی عملکرد ذهن انسان در درک مفاهیم از طریق زبان را مد نظر قرار داد (صفوی 1379: 28؛ بورشه و دیگران 1386: 300). در مطالعات این علم نقش عمده‌ای برای استعاره در نظر گرفته شد و در واقع مطالعه آن مانند ابزاری برای تشخیص چگونگی بروز اندیشه و رفتارهای زبان به کار رفت. (صفوی 1379: 369)

زبان‌شناسی شناختی در جایی که موضوع تحلیل زبان را به عنوان وسیله‌ای برای سازماندهی، پردازش و انتقال اطلاعات مد نظر قرار می‌داد، معناشناسی را در تجزیه و تحلیل‌های زبانی در اولویت قرار داد. (گلفام و یوسفی‌راد، 1381: 1 و 2) و به استعاره همچون یک ابزار و قالب روان‌شناسی زبان نگریست که سازکار اصلی آن چندمعنایی‌بودن هر کلمه است (قاسم‌زاده، 1379: 25-26) از نظر این علم، در فرایند استعاره، پس از فهم مفهومی انتزاعی در ذهن، آن موضوع در قالب مفهومی ملموس در زبان بیان می‌شود و در اصل استعاره، درک و تجربه آن موضوع ناآشنا بر اساس یک عنصر آشنا است.

در علم شناخت استعاره مفهومی، استعاره نه تنها با تعریف سنتی آن در بلاغت متفاوت است و تنها شامل آن نوع استعاره‌ای که در علوم بلاغی شناسایی می‌شود نیست، بلکه انحصار به متن ادبی هم ندارد و در هر نوعی از متن قابل بررسی است؛ در واقع استعاره تنها یک عنصر زبانی و واژگانی نیست، بلکه فرایندهای تفکر انسان همگی استعاری‌اند و در واقع نظام تصویری ذهن انسان بر مبنای استعاره بنا شده است. (لیکاف و جانسون، 1394: 13) بنابراین، استعاره که ریشه در نظام تصویری ذهن انسان دارد، به عنوان یک بیان زبانی میسر می‌شود که این بیان زبانی، ابزاری برای درک حقیقت مفهوم آن موضوع انتزاعی و ناآشنا است؛ (گلفام و یوسفی‌راد، 1381: 5) درحقیقت بیان استعاری، می‌تواند تبیین جدیدی را از کارکرد مغز در برخورد با جهان پیرامون انسان عرضه نماید. (هاشمی، 1389: 120)

در بررسی استعاره مفهومی مجموعه‌ای را که دارای مفهومی عینی‌تر و متعارف‌تر است، قلمرو مبدأ یا منبع و مجموعه دیگر را که مفاهیم آن انتزاعی و ذهنی‌تر است، قلمرو مقصد یا هدف می‌خوانند. (همان: 125) در واقع در تحلیل هر استعاره، با مجموعه‌ای از تعاملات میان ویژگی‌های قلمرو منبع و قلمرو هدف روبرو می‌شویم و با اطلاعاتی که از قلمرو منبع به دست می‌آوریم به قلمرو هدف دست می‌یابیم که گاه ممکن است در تعاملات میان قلمرو منبع و قلمرو مقصد، این موضوع کشف شود که مفهوم در قلمرو مبدأ، شامل چند قلمرو مقصد است. (کووکسس، 1390: 128)

همچنین رابطه یا مجموعه روابطی که در هر استعاره مفهومی، میان دو قلمرو مبدأ و هدف دیده می‌شود، نگاشت نام دارد. (هاشمی، الف، 1392: 241) و در واقع با تعیین مشخصات نگاشت‌های بین حوزه‌های ذهنی و عینی است که نظریه استعاره تحقق یافته و استعاره مفهومی شکل گرفته است. (لیکاف، 1382: 197)

1-1 بیان مسئله

با بررسی استعاره مفهومی در متن مرصادالعباد می‌توان گفت بسیاری از استعاره‌های به کار رفته در متن مرصادالعباد بیشتر به منظور توضیح و شرح اندیشه‌های نویسنده و درک صحیح و دقیق مخاطب مورد استفاده قرار گرفته اند. یکی از بیشترین فضاهایی که به عنوان قلمرو مبدأ استعاره‌های مفهومی در مرصادالعباد به کار رفته است، فضای مربوط به کشت و کار است که بویژه مفهوم بذر با استفاده از واژه «تخم» در متن نمود فراوان و قابل توجهی یافته است و 27 مورد به این مفهوم اشاره شده است. در این پژوهش کوشش شده است در عین حال که بررسی مفهوم استعاری این واژه را مبنای کار خود قرار می‌دهیم، از سایر استعاره‌های مفهومی مرتبط که با واژگان دیگری مانند درخت، بیخ، برگ، شاخ و ... بیان می‌شود نیز غافل نمانیم. نجم الدین رازی در این اثر، به کمک واژه «تخم»، انواعی استعاره پدید آورده است که در حوزه زبان‌شناسی شناختی و به عنوان استعاره‌های مفهومی به صورت انگاره‌های مختلفی قابل بررسی‌اند.

2-1 پیشینه تحقیق

در زمینه پژوهش و تحلیل استعاره‌های مفهومی در متون عرفانی، زهره هاشمی، در مقاله «زنجیره‌های استعاری محبت تصوف» (ب، 1392)، ذهنیت صوفیان نسبت به عنصر محبت را تحلیل نموده است؛ همو و ابوالقاسم قوام، در مقاله «بررسی شخصیت و اندیشه‌های عرفانی بایزید بسطامی بر اساس روش استعاره شناختی» (1392)، عناصر شراب، آتش، سیل، فنا و نور را در اقوال بایزید بررسی و نمودار کرده‌اند؛ طاهره کریمی و ذوالفقار علامی در مقاله «استعاره‌های مفهومی در دیوان شمس» (1392)، عنصر استعاری خوردن را در ذهنیت مولانا تحلیل نموده‌اند؛ زهره هاشمی، در مقاله «مفهوم

ناکجآباد در دو رساله سهروردی بر اساس نظریه استعاره شناختی» (الف، 1392)، استعاره مفهومی «ناکجآباد» را در کلام سهروردی مورد بررسی قرار داده است. تاکنون پژوهشی که استعاره مفهومی بذر (تخم) را در مرصادالعباد مورد تحقیق قرار دهد، صورت نگرفته است.

3-1 ضرورت تحقیق

در زبان شناسی اجتماعی زبان، مبنای مفاهیم است و نیروهای اجتماعی به مثابه نیروهایی‌اند که بر زبان تأثیر می‌گذارند: (ژان کالوه 1379 : 165) بر طبق نظریات زیان‌شناسی شناختی، استعاره‌های شناختی برخاسته از درک تجسم یافته و تجربه حضور فیزیکی ما در جهان‌اند که در این درک تجسم یافته ما به مثابه اشیای فیزیکی به درون و بیرون از فضاهایی که ما را در بر می‌گیرند حرکت می‌کنیم (فریمن، 1390: 284) و تجربیات خود را از این حرکت به صورت برداشت‌هایی استعاری در ذهن ثبت می‌کنیم. «برخی از مهمترین عوامل غیرزبانی که در پیدایش این پدیده‌های زبانی مؤثر شناخته شده‌اند عبارتند از: منطقه جغرافیایی؛ طبقه اجتماعی؛ جنسیت؛ قومیت؛ سن؛ تحصیلات و ... (مدرسی 1368: 140) و در واقع جغرافیا و محیط زندگی افراد از عواملی است که در شکل دهی به نظام زبانی و به طور اخص استعاره‌های مفهومی نقشی برجسته دارد.

به باور زبان‌شناسان، ماهیت استعاره مفهومی به طور کلی بیشتر جمعی و اشتراکی است تا فردی؛ از این رو بررسی سیر کاربرد و دگرگونی استعاره‌ها، می‌تواند به موضوع تغییر و تحولات اجتماعی و تحلیل‌های جامعه‌شناختی مرتبط باشد. (هاشمی، 1389: 131) بدین ترتیب استفاده از این نوع پژوهش‌ها برای روشن‌سازی بعضی از ابهامات سبک‌شناسی شناختی و تحلیل متون ادبی و نیز تعیین شیوه ذهنی و شناخت دقیق سبکی افراد، مفید است (همان: 133-134). این پژوهش می‌تواند در نهایت به کشف شیوه‌های فعالیت ذهنی و درک عوالم اندیشگی عرفا و ادبای ادبیات فارسی بویژه عرفا و ادبای قرن هفتم و شناخت ویژگی‌های تفکر نجم‌الدین رازی کمک کند.

2- بررسی انگاره‌های مربوط به استعاره مفهومی «بذر» در متن مرصادالعباد

نجم‌الدین رازی بسیاری از مفاهیم را بر مبنای استعاره مفهومی بذر پرورده و بیان کرده است؛ وی برای توصیف و ساده‌سازی فضای ذهنی عرفانی خود، به بازنمایی نوعی استعاره ذهنی بر پایه بذر و متعلقات و ویژگی‌های آن می‌پردازد که بسامد بالای این استعاره می‌تواند مؤید غلبه این مفهوم بر ذهن وی باشد؛ نجم‌الدین رازی مفهوم بذر را در بیان و شناساندن شخص، شیء و حتی مفهوم به کار گرفته است.

1-2 استعاره‌ها

در متن مرصادالعباد چندین استعاره با مفهوم ذهنی بذرانگاری دیده می‌شود که می‌توان این استعاره‌ها را به ترتیب بسامد چنین برشمرد:

1-1-2 پیامبر اسلام (ص) بذر آفرینش

نجم‌الدین رازی در متن مرصادالعباد خود راجع به پیامبر اسلام (ص) می‌گوید: «تخم آفرینش محمد بود و ثمره هم او بود و شجره آفرینش به حقیقت هم وجود محمدی است.» (ص 63)

این نگاشت در میان انگاره‌های استعاره‌ای واژه «تخم» در مرصادالعباد یکی از بالاترین بسامدها را داشته در 4 مورد به آن اشاره شده است. (صص 37، 63، 320، 137) که آن را مطابق با مبحث زبانشناسی شناخت، بدین ترتیب می‌توان بازنمایی کرد:

2-1-2- پیامبر اسلام (ص) بذر/ میوه/ درخت است؛ یعنی پیامبر اسلام اصل و نهایت ماهیت بالقوه و بالفعل کمال جهان است.

وی در جای دیگر نیز حضرت محمد (ص) را به منزله خرمن آفرینش و پیامبران دیگر را خوشه چینان این خرمن دانسته است. (ص 320)

در آموزه‌های دینی و عرفانی اسلام، حضرت محمد (ص) مرکز و دلیل اصلی آفرینش دانسته شده است. احادیث «اول ما خلق الله نوری» (بحارالانوار، ج 6، باب بدء خلقه و ماجری له به نقل از فروزانفر، 1361: 113-114) و «لو لاک لما خلقت الادنیا» (اللو لوء المرصوع: 66، به نقل از فروزانفر، 1361: 172) و حدیث «كنت نبياً و آدم بین الروح و الجسد» (جامع صغیر، ج 2: 96 و کنوز الحقایق: 96 به نقل از فروزانفر، 1361: 102) شواهدی بر این باور ذکر شده اند. مؤلف مرصادالعباد نیز بارها در نگاشتی استعاره‌ای حضرت محمد را تخم درخت آفرینش می‌داند که از این تخم درختی پدید می‌آید؛ درخت ثمره‌ای می‌دهد و آن ثمره نیز حضرت محمد است که ابتدا خود به صورت بذر یا تخم نگاشته شده بود. (ص 137) وی پیامبران را شاخه‌ها و ملائکه را برگ‌های این درخت دانسته و ملکوتیات را بیخ‌ها و جسمانیات را تنه این درخت منظور کرده است. (ص 63)

2-1-3- بذر محبت

محبت و دوستی در بسیاری از متون عرفانی ادبیات فارسی به شکل بذر، دانه و یا نهال و درخت دانسته شده است. (هاشمی، ب، 1392: 34) در مرصادالعباد نیز محبت، تخمی کاشتنی (ص 44) فرض شده است. (صص 43، 334، 44)

«چون ملائکه این تعلق با قالب جسمانی ظلمانی نداشتند تخم محبت ایشان هرگز به کمال تربیت نیافت.» (ص 43)

«شک نیست که تخم محبت در نهاد ارواح، پیش از جمله صفات دیگر انداختند.» (ص 44)

در این نوع استعاره محبت به مثابه وجودی عینی و جسمی با قابلیت رشد و نمو (در صورت پرورش صحیح) تصور شده است.

2-1-4- بذر توحید

توحید در جایی از کتاب به مثابه بذری دانسته شده است که انبیاء عهده دار پرورش آن بذر بوده‌اند؛ مانند امری که بالقوه وجود دارد و برای رسیدن به فعلیت نیازمند مراقبت و پرورش است:

«سرّ بعث انبیا علیهم الصلوٰه و السلام، از بهر زراعت تخم توحید است» (64)

2-1-5- بذر ابا و استکبار

نجم‌الدین رازی در جریان یک استعاره مفهومی جالب توجه، در ماجرای نافرمانی شیطان از خداوند در امر سجده به آدم، ابا و استکبار شیطان را بذری می‌داند که قبلاً کاشته شده بود و در آن ساعت رشد کرده، بالیده و ثمره داد؛ یعنی اصل و اساس آن از قبل وجود داشت و در آن موقع به بار نشست:

«خلق چنان پندارند که ابا و استکبار در وقت سجده بود، بلی صورت آن به وقت سجده بود که به مثابت ثمره شجره است اما حقیقت آن ابا و استکبار که به مثابت تخم است آن روز در زمین شقاوت افتاد که از رعایت ادب ابا کرد.» (ص 87-88)

2-1-6- بذرانسان

همچنین نجم رازی انسان را که حاصل تولید و پرورش به دست خداوند است، در یک فضای استعاری بذر دانسته است:

«خداوند ... آن را که تو برداشتی می‌فکن ... که این تخم تو کشته ای و این گل تو سرشته‌ای.» (ص 95 و 96).
همچنین مصداق‌های دیگری از این انگاره نظیر اینکه مؤمن درخت است، (ص 279) انسان طبیعت است، و (ص 74) انسان کامل درخت است، (ص 145) نیز در متن مرصاد دیده می‌شود.

2-1-8- بذر روح

روح نیز در استعاره‌ای مفهومی از دیدگاه نجم رازی در متن مرصادالعباد، بذر دانسته شده است:
«پس تخم روح انسانی پیش از آنکه در زمین قالب اندازند استعداد استماع کلام حق حاصل داشت» (ص 105)
همچنین استعاره‌های روح پیامبر (ص) بذر است (ص 40 و 404)، روحانیت بذر است (ص 111، 112، 114، 352، 353، 360، 116، 117، 115)، و نفس بذر است (ص 344) نیز در این کتاب به چشم می‌خورند که به همین نگاشت تعلق دارند.

2-1-9- بذرایمان

ایمان نیز در فضای ذهنی استعاری نجم رازی، مانند بذر دیده می‌شود:

«هرکجا از آن انس چیزی باقی است تخم ایمان است» (108)

2-1-10- بذر سعادت

شاید یکی از جالب توجه‌ترین نگاشت‌های نگاشته است مربوط به استعاره مفهومی بذر همین نگاشت باشد که در طی آن نجم رازی سعادت را بذر دانسته است (ص 398 و 127)؛ این نگاشت می‌تواند حقیقت دیدگاه این عارف را در ژرفنای ذهنی خود نسبت به سعادت آشکار کند که به جای اعتقاد به این که سعادت و شقاوت با بشر زاده می‌شوند و غیر قابل کسب هستند،¹ سعادت را بذری می‌داند که اگر پرورش صحیح یابد به بار می‌نشیند:

«تخم این سعادت، در عالم ارواح پاشیده بودند» (127)

یادآور می‌شویم که نجم رازی در همین فضا «شقاوت» را نیز به مثابه زمین زراعت دانسته است: «حقیقت آن ابا و استکبار که به مثابت تخم است آن روز در زمین شقاوت افتاد که از رعایت ادب ابا کرد» (ص 87-88)

2-1-11- بذر ذکر

در یک فضای استعاری با دیدگاه شناختی، به نگاشت ذکر بذر می‌رسیم که در نوع خود جالب توجه است؛ وی ذکر را از آنجا که باید در وجود مستعد قرار و پرورش یابد بذر دانسته است (277، 276)

«آن چه از راه افواه، بذر سمع، صورتی در آید، آن ذکر تقلیدی باشد، چندان کارگر نیاید، همچنان که تخم ناپرونده نارسیده که در زمین اندازند نروید و ذکر تحقیق آن است که به تصرف تلقین صاحب ولایت در زمین مستعد دل مرید افتد» (ص275)

2-1-12- بذرتجلی

نجم رازی همچنین، تجلی خداوند را بذر دانسته است که به نظر می‌رسد از نظر نوع اندیشگی، از قابل تأمل‌ترین بخش‌های ژرفای فکری او به شمار می‌رود؛ وی تجلی را از آنجا که ظرفیتی است که در هر زمینه و استعدادی رشد و نموی دیگرگونه دارد به مثابه بذر آورده است:

«اگر چه تخم تجلی ابتدا در طینت آدم تعبیه افتاد، اما در ولایت موسی سیزه پدید آورد و در ولایت محمدی ثمره به کمال رسید تا منقرض آدم بل که تا ابدالآباد خوشه چینان خرمن این دولت از این ثمره سعادت تناول می‌کنند» (ص228-229)

2-1-13- بذر اهل صفوف

نجم‌الدین رازی برای ارواح انسان‌ها بر حسب مرتبه و درجه تقرب آنها به معرفت خداوند چهار مرتبه یا صف قایل شده و ارواح انسان‌هایی که در هریک از این مراتب قرار می‌گیرند را با نام اهل صف اول، اهل صف دوم و ... مجموع آنها را اهل صفوف نامیده است (345). در کنار بذر دانستن مفاهیم ذهنی و اغلب معنوی که ذکر آن رفت، اهل صفوف، از مصادیق بذر دانستن یک وجود مادی از دیدگاه نجم رازی به حساب می‌آیند:

«اهل صفوف دیگر از دولت این کمال محرومند اما در مقام خویش چون پرورش به کمال یابند هر طایفه ای به مقام خویش باز رسند با ترقی کمال که اول نداشته اند چون تخم گندم که اول بکارند اگرچه اول ضعیف باشد چون پرورش بشرط یابد یکی هفتصد شده و به قوت گشته با انبار آید [...] تا هر صنف از آن انواع که در صفی بودند اینجا در مرتبه یک نفس باشند ... و هریک از مقام خویش نتواند گذشت زیرا که در آن تخم بیش از این استعداد ننهاده بودند مگر اهل صف اول را» (347-348)

شاید ذکر این نکته نیز مفید باشد که در بذر دانستن این امر وجودی و حسی، جنبه یکی دانستن بر مبنای استعاری بودن کمرنگ شده چنان که در مثال اول ملاحظه می‌کنیم این نگاشت به همراه ادوات تشبیه ذکر شده است که مقداری از بار معنای یکی دانستن را به سمت بار معنایی شبیه دانستن سوق داده است؛ همچنین شاید بتوان این استعاره را زیر مجموعه استعاره شماره 6، یعنی بذرانسان، منظور داشت.

2-1-14- بذرشهوت

شهوت نیز چون قوه ای است که در وجود انسان تعبیه شده، با پرورش و توجه وسیع‌تر و قوی‌تر می‌گردد، در اندیشه نجم‌الدین بذر دانسته شده است:

«تخم این هفت شهوت در هفت عضو انسانی بکاشتند و پنج حس را به تربیت آن فرو داشتند تا به مدت پانزده سال بر شجره هر تخمی ثمره شهوتی پدید آمد بعد از آن صاحب شرع را به معاملی آن فرستاد و بر هر عضوی خراج سجودی نهادند ... و فرمودند که اثمار آن اشجار را تخم سعادت آخرت سازند و در زمین عبودیت به دست شریعت اندازند» (398)

2-2 نگاشتهای کلی استعاره مفهومی بذر در متن مرصادالعباد

برای کشف فضاهای استعاری و نگاشتهای کلی در مطالب یاد شده، شاید بتوان انگاره‌های کلی استعاره‌های مفهومی بذر را به چند دسته تقسیم کرد:

2-2-1- انگاره کلی انسان بذر است؛ که انگاره‌های مربوط به پیامبر(ص)، انسان و اهل صفوف را در خود جای

می‌دهد.

2-2-2- انگاره کلی امور معنوی بذر هستند؛ که انگاره‌های محبت، توحید، ایمان، سعادت و تجلی را در خود جای

می‌دهد.

2-2-3- انگاره کلی رفتار انسان بذر است؛ که انگاره‌های إبا و استکبار و ذکر را در خود جای می‌دهد.

2-2-4- انگاره کلی آفریده‌ها بذر هستند؛ که انگاره‌های مربوط به روح و آفرینش را در خود جای می‌دهد.

2-2-5- انگاره کلی خصوصیات بشری و حیوانی بذر هستند؛ که انگاره مربوط به شهوت را در خود جای داده است.

2-3 تحلیل انگاره‌های کلی و استخراج انگاره‌اصلی و قلمروهای مبدأ و مقصد

مطابق با نگاشتهای کلی استخراج شده از متن، در تحلیل این استعاره با چنین انگاره اصلی‌ای سروکار داریم:

2-3-1- انسان / امور معنوی / رفتار انسان / آفریده‌ها / خصوصیات بشری و حیوانی بذر است.

در دیدگاهی کلی‌تر می‌توان تمام این پنج نگاشت را نیز تحت نگاشت زیر قرار داد:

2-3-2- هستی (آفرینش و وجود هرچه غیرخدا) بذر است.

بنابر این شاید بتوان چنین استنباط کرد که کلان‌استعاره موجود در متن، استعاره «خداوند کشاورز است.» (به معنی کارنده بذری در خاکی و پرورش دهنده آن) و فضای قلمرو مبدأ آفرینش و هستی با تمام امور مادی و معنوی آن و قلمرو مقصد فضای کشاورزی و کاشتن بذر در زمین است. این انگاره به گونه‌ای ضمنی در متن مرصادالعباد نیز آمده است:

«خداوند! [آن را که تو برداشتی می‌فکن [...]] که این تخم تو کشته‌ای و این گل تو سرشته‌ای» (95-96)

نجم‌الدین رازی در جایی دیگر راجع به طبقه کشاورزان می‌گوید این طبقه باید زارع حقیقی را نه خود، که خداوند بدانند (520) و در جای دیگر این که وجود بی‌جان را خداوند جان می‌دهد و پس از رشد و نمو و تکامل، مرگ را بر آن چیره می‌سازد، به عمل کاشتن دانه، رویش، ثمردادن و رسیدن و ازبین رفتن میوه تعبیر می‌کند. (361)

2-4 تحلیل ارتباط ذهنی نجم‌الدین رازی با کلان‌استعاره "خداوند کشاورز است"

به باور دانشمندان علم زبان‌شناسی شناختی، بخش عمده از نظام طبیعی فهم و اندیشه انسان دارای ساختاری استعاری

است و بخش تثبیت شده فرهنگ در جوامع بشری با بخش استعاری انسان در آن جامعه هماهنگی دارد و ارزش‌های بنیادی هر

فرهنگ با ساختار استعاری موجود در آن فرهنگ همخوانی دارد. (لیکاف و جانسون، 1394: 102 و 43-44) بنابراین برای درک صحیح استعاره‌های مفهومی، باید دانش، بیولوژی، فرهنگ و ... را در هر جامعه‌ای بررسی کرد و همچنین باید در نظر داشت که هر جامعه و فرهنگی متشکل از خرده‌فرهنگ‌هایی است که اغلب خود را جدا از جریان اصلی فرهنگ می‌دانند و معمولاً می‌توانند بخشی از استعاره‌های موجود را بازتعریف و یا استعاره‌های جدیدی تولید کنند. البته تفاوت‌های فردی انسان‌ها نیز در این حوزه تأثیرگذارند. (هاشمی و قوام، 1392: 80)

به باور دانشمندان حوزه جامعه‌شناسی و ادبیات «هر فردی عضو چندین گروه است، به نحوی که آگاهی او آمیزه‌ای یکتا و خاص از عناصر آگاهی‌های جمعی گوناگون و اغلب متضاد است. به علاوه از گروه‌هایی نیز تأثیر می‌پذیرد که به گروه اجتماعی خاص او تعلق ندارند. بنابراین آگاهی جمعی فقط به صورت واقعیت بالقوه در آگاهی یکایک افراد گروه وجود دارد، واقعیتی که جامعه‌شناس می‌تواند آن را از رهگذر بررسی گروه به عنوان یک کل روشن سازد.» (لنار، 1392: 71)

به نظر می‌رسد برای این که دلیل اهمیت دادن نجم‌الدین رازی به کشاورزی به عنوان بهترین صنعت و کسب (513) و همچنین روند راهیابی استعاره مفهومی «بذر» را به ذهن نجم‌الدین رازی، آن هم با چنین بسامد بالایی بسنجیم باید ابعاد شخصیتی وی را در نظر گرفته احتمالات مربوط به اتصال و تلاقی ذهنی و عینی وی با چنین استعاره‌ای را در نظر بگیریم.

از مهم‌ترین شاخصه‌های شکل‌دهنده ذهنیت نجم‌الدین رازی را می‌توان تأثیر کلی شاخص‌های فردی، خانوادگی، فرهنگی، اجتماعی، تاریخی، جغرافیایی و اعتقادی در نظر گرفت.

2-4-1- نقش ویژگی‌ها و ارتباطات جغرافیایی در شکل‌گیری اندیشه استعاری نجم‌الدین رازی

کشاورزی یکی از اصلی‌ترین مشاغل مردم جهان است (کلیم و دیگران، 1338: 24) و مطابق با اسناد تاریخی و اجتماعی، این شغل در سرزمین ایران از دیرباز رایج بوده است (حتی، 1350: 14) به طوری که منابع اجتماعی، شغل اکثریت مردم ایران را کشاورزی و عظیم‌ترین طبقات جامعه ایران را از دیرباز تاکنون طبقه کشاورزان دانسته‌اند که مهم‌ترین و مؤثرترین فعالیت‌های اقتصادی را به عهده داشته‌اند و تأمین خوراک مردم و پرداخت مالیات و عوارض به حکومت‌ها از وظایف قطعی این طبقه بوده است. (راوندی، 1357: 327 و 94)² همچنین در متون فارسی نیز همواره یکی از موضوعات مهم، کشاورزی و امور مربوط به آن بوده است.³

شهر ری، زادگاه و محل زندگی نجم‌الدین رازی، از نظر جغرافیایی، از شهرهای متمدن، آباد و همواره از نظر کشاورزی پررونق بوده است. (کریمیان، 1354: 582، 584 و 131)

2-4-2- نقش ویژگی‌ها و ارتباطات اجتماعی در شکل‌گیری اندیشه استعاری نجم‌الدین رازی

از نظر اجتماعی، دوران زندگی نجم‌الدین رازی، از پرتنش‌ترین دوران تاریخی، اجتماعی ایران و همچنین شهر ری بوده است؛ (ریاحی، 1387: 14) در این دوران، کشاورزی نیز همچون سایر امور مهم کشور مورد غفلت و در حالت پریشانی قرار داشته است (راوندی، 1357: 103).

از نظر پایگاه اجتماعی، نجم‌الدین رازی از طبقه عرفا و مشایخ صوفیه به شمار می‌رود؛ برای اشاره به سابقه وجود چنین مفاهیم استعاری نزد عرفا و متصوفه می‌توان به یکی از تمثیل‌های رایج صوفیان برای شرح کثرت و وحدت اشاره کرد که همان مثال دانه درخت است که تمام درخت یعنی ریشه، ساقه، پوست، برگ، گل و میوه در آن تعبیه است (برتلس، 1356: 46)؛ یعنی دانه تمثیلی از وحدت و اجزای درخت تمثیلی از کثرت دانسته شده است که دانه در عین دانه بودن به فعلیت، به صورت بالقوه، درخت و ریشه و ساقه و برگ و ... است.

در این خصوص همچنین باید اشاره کرد که تمرکز خانقاه‌ها عمدتاً در شهرها بود⁴ و در فاصله قرن‌های هفتم تا نهم هجری تصوف از لحاظ اجتماعی هیچ وحدتی نداشت و محیط اجتماعی پیروان تصوف از طریقت‌های گوناگون به هیچ وجه یکدست نبود (حقیقت، 1372: 137). بیشتر مریدان مشایخ از میان پیشه‌وران بودند. گاه مرید ساکن خانقاه شده از بستگان و حرفه خود دست می‌کشید و گاه نیز به پیشه خود باقی می‌ماند؛ بنابراین می‌توان چنین استنباط کرد که طبقه عرفا از پیشه‌های رایج روزگار که کشاورزی هم از جمله آنهاست به کلی دور نبوده اند.

2-4-3- نقش اندیشه‌های ایرانی در شکل‌گیری اندیشه استعاری نجم‌الدین رازی

در بررسی اندیشه نجم‌الدین رازی به عنوان عارف ایرانی که اثر خود را به زبان فارسی تألیف کرده است، نمی‌توان از تأثیرگرفتن او از اندیشه‌های ایرانی باستان به کلی چشم‌پوشی کرد. بویژه با توجه به این موضوع که نجم‌الدین اهل و ساکن شهر ری بوده است و شهر ری تا چند قرن بعد از ورود اسلام همچنان زرتشتی‌نشین بود. (کریمیان، 1354: 58)

درختان از دیر زمان در نزد اغلب اقوام گرامی بوده‌اند و رمزی از هستی، زندگی، جاودانگی و جوانی به شمار رفته‌اند.⁵ در اعتقادات مردم مصر و بین‌النهرین در اعصار باستان آثار اهمیت درختان به چشم می‌خورد. (بهار، 1390: 43) و اهمیت درخت در دانش‌های عامیانه⁶ و در متون اسطوره‌ای ایرانی نیز قابل مشاهده است. به طوری که می‌توان گفت یکی از انواع اطلاعات و مباحثی که در کتاب بندهش می‌توان جستجو کرد اطلاعات مربوط به گیاهان است. (تمیم‌داری، 1377: 153).

طبق باور ایرانیان پیش از اسلام، عنصر درخت از تقدس و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و در اساطیر ایرانی درخت همه تخمه که منشأ تمامی گیاهان جهان شمرده شده است جایگاه ویژه‌ای دارد. (بندهش، 1369: 82).

تقدس گیاه هوم (ر.ک. جعفری قریه‌علی، 1386: 167) و پیدایش زن و مرد نخستین از گیاه ریواس (بندهش، 1369: 81) نیز در این زمینه قابل توجه می‌نماید.

2-4-4- نقش اندیشه‌های اسلامی در شکل‌گیری اندیشه استعاری نجم‌الدین رازی

در فرهنگ عرب نگرش به امر کشاورزی با نگاه ایرانیان مسلمان به این امر بسیار متفاوت است؛ اعراب چندان انسی با زندگی ثابت و کشاورزی نداشتند و فضای کشاورزی و گیاه‌پروری نیز نمود گسترده‌ای در محیط زندگی آنان نداشت اما این موضوع در دین اسلام به گونه دیگری است؛ رویکرد کلی فرهنگ اسلامی، توجه مثبت به مقوله کشاورزی و گیاهان است و این توجه هم در قرآن و هم در زندگی و سخنان حضرت محمد(ص) و اهل بیت او بازتابی گسترده دارد.

در سیره و احادیث پیامبر(ص) و اهل بیت او نیز موضوع کشاورزی به عنوان موضوعی قابل توجه به چشم می‌خورد که پرداختن و توصیه به آن را می‌توان در زندگی و سخنان این بزرگان مشاهده نمود.⁷

در قرآن کریم آیات فراوانی به مقوله کشاورزی و محصولات گیاهی اشاره دارند؛⁸ برای نمونه واژه زرع که به معنی کشاورزی است و مشتقات آن بارها در آیات قرآنی به کار رفته است (روحانی، 1366، ج 2: 821 و 823-824) اما نکته قابل توجه درباره قرآن این که مفهوم خداوند کشاورز است را می‌توان در ضمن یکی از آیات این کتاب مقدس به وضوح مشاهده کرد؛ خداوند در سوره واقعه، علاوه بر آن که خلقت انسان را به خود نسبت داده است (سوره واقعه، آیه 59) و همچنین بر این که فرودآورنده آب باران خداوند است، تاکید کرده است (سوره واقعه، آیه 69) سپس به این نکته اشاره کرده که خالق درختی که به صورت هیزم برای آتش انسان استفاده می‌شود کسی نیست جز او (72) و اما در آیه 63 سوره واقعه، خداوند به کاشت دانه توسط انسان اشاره کرده و سپس در آیه 64 صراحتاً از عمل خود با لفظ زراعت یاد کرده می‌گوید: «ءَ أَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ» یعنی آیا شما آن [دانه] را می‌کارید یا ما می‌کاریم؟ بنابراین می‌توان گفت خداوند در این آیه عمل کاشت را به صورت مستقیم به خود نسبت داده است؛ این آیه می‌تواند در تشکیل زیربنای فکری نجم‌الدین رازی به عنوان یک عارف مسلمان نقش داشته باشد.

2-4-5- زمینه زبانی و ادبی شکل‌گیری اندیشه نجم‌الدین رازی

توجه به گیاهان و خصوصیات آنها از دیرباز در بین متون برجسته فارسی بازتاب داشته است.⁹ در برخی اصطلاحات مربوط به علمی مانند زبان‌شناسی نیز این گیاه‌پنداری آشکار است. (فاضلی و دیگران، 1392: 17)

همچنین در ادبیات شفاهی و گفتار روزمره فارسی‌زبانان نیز برخی اصطلاحات، یادآور سابقه گیاه‌پنداری در ذهن و زبان هستند که از جمله می‌توان به اصطلاحاتی این‌چنینی اشاره کرد:

رشد کتابخوانی؛ شکوفایی استعداد؛ به بار نشستن تلاش؛ فرزندان میوه‌های زندگی؛ افزودن به شاخ و برگ کلام؛ ریشه مشکلات و ...

بنابراین می‌توان چنین قلمداد کرد که فضای کلی زبان و ادبیات فارسی نیز در شکل‌گیری این استعاره مفهومی در ذهن نویسنده مرصاد العباد بی‌تأثیر نبوده است.

3- نتیجه‌گیری:

با بررسی متن مرصادالعباد از نظر کاربرد استعاره مفهومی، مطابق با نگاشتهای استعاره مفهومی «بذر» در متن این نگاشت کلی به دست می‌آید:

هستی (آفرینش و وجود هرچه غیر خدا) بذر است.

شاید بتوان گفت استعاره کلی موجود در متن، استعاره «خداوند کشاورز است.» (به معنی کارنده بذری در خاکی و پرورش دهنده آن) و آفرینش و هستی با تمام امور مادی و معنوی آنفضای قلمرو مبدأ را تشکیل می‌دهد و قلمرو مقصد نیز فضای کشاورزی و کاشتن بذر در زمین است که این انگاره به گونه‌ای ضمنی در متن مرصادالعباد نیز آمده است.

از آنجا که بخش تثبیت شده فرهنگ در جوامع بشری با بخش استعاره‌ای انسان در آن جامعه هماهنگی دارد و ارزش‌های بنیادی هر فرهنگ با ساختار استعاره‌ای موجود در آن فرهنگ همخوانی دارد، به نظر می‌رسد برای این که دلیل اهمیت و جایگاه فضای کشاورزی را در ذهن نجم‌الدین رازی بسنجیم، باید مهم‌ترین شاخصه‌های احتمالی شکل‌دهنده ذهنیت وی، یعنی ویژگی‌های خانوادگی، فرهنگی، اجتماعی، جغرافیایی، اعتقادی و زبانی را بررسی نماییم.

از نظر جغرافیایی، باید گفت کشاورزی در سرزمین ایران و بویژه شهر ری، زادگاه نجم‌الدین رازی، از دیرباز رایج بوده است، از نظر اجتماعی، نجم‌الدین رازی از طبقه عرفا و مشایخ صوفیه به شمار می‌رود و طبقه عرفا هم از پیشه‌های رایج روزگار خود که کشاورزی هم از جمله آنهاست، به کلی دور نبوده اند.

از نظر فرهنگی و ادبی، درختان از دیر زمان در نزد ایرانیان مهم و مقدس بوده‌اند و رمزی از هستی، زندگی، جاودانگی و جوانی به شمار رفته‌اند؛ توجه به گیاهان و خصوصیات آنها از دیرباز در بین متون برجسته فارسی و همچنین در ادبیات شفاهی و گفتار روزمره فارسی‌زبانان نیز نمود فراوان داشته است.

از منظر اعتقادی، نجم‌الدین رازی مسلمان بوده است؛ در قرآن و همچنین در سیره و احادیث پیامبر(ص) و امامان شیعه (ع) موضوع کشاورزی بازتابی گسترده داشته است؛ اشاره صریح خداوند به نسبت خود با عمل زراعت را نیز می‌توانیم در آیه 64 سوره واقعه مشاهده کنیم.

مجموع این موارد می‌تواند در شکل دهی نظام تفکری نجم‌الدین رازی برای بیان استعاره مفهومی بذر در صورتهای گوناگون آن مؤثر بوده باشد.

منابع:

##-کتاب‌ها:

- ##قرآن کریم، (1388)، ترجمه حسین انصاریان، قم: آیین دانش.
- ##-ارسطو، (1371). *ریطوریکا* (فن خطابه). ترجمه پرخیده ملکی. تهران: اقبال.
- ##-برنلس، یوگنی ادواردویچ. *تصوف و ادبیات تصوف*. (1356). ترجمه سیروس ایزدی. تهران: امیرکبیر.
- ##-بندش (فرنیه دادگی). (1369). *گردآوری مهرداد بهار*، تهران: توس.
- ##-بورشه ت. و دیگران (1386). *زبان‌شناسی و ادبیات*. ترجمه کوروش صفوی. تهران: هرمس.
- ##-بهار، مهرداد. (1383). *پژوهشی در اساطیر ایران*. چ 10. تهران: آگه.
- ##-بهار، مهرداد. (1390). *از اسطوره تا تاریخ*. گردآورنده ابوالقاسم اسماعیل‌پور. چ 7. تهران: چشمه.
- ##-تمیم‌داری، احمد. (1377). *داستان‌های ایرانی*. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی (حوزه هنری).
- ##-جعفری قریه‌علی، حمید. (1386). «*هوم پشمن پوش یا گیاه زرین*، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز (ویژه نامه زبان و ادبیات فارسی) دوره 26، ش 2. پیاپی 51. صص 163-183.
- ##-حتی، فیلیپ خوری. (1350). *شرق نزدیک در تاریخ*. ترجمه قمر آریان. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ##-حقیقت، عبدالرفیع. (1372). *تاریخ عرفان و عارفان ایرانی از بایزید بسطامی تا نورعلیشاه گنابادی*. چ 2. تهران: کومش.
- ##-راوندی، مجتبی. (1357). *تاریخ اجتماعی ایران*. چ 3. ج 3، تهران: امیرکبیر.
- ##-روحانی، محمود. (1366). *المعجم الاحصایی لالفاظ القرآن الکریم*. ج 2، مشهد: موسسه طبع و نشر الآستانه الرضویه المقدسه.
- ##-ریچاردز، ا. آرمسترانگ، (1382). *فلسفه بلاغت*. ترجمه علی محمدی آسیابادی. تهران: قطره.

- ## ژان کالوه، لویی. (1379). **درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان**. ترجمه محمدجعفر پوینده. تهران: نقش جهان.
- ## شفیع کدکنی، محمدرضا. (1378). **صور خیال در شعر فارسی**. چ 7. تهران: آگاه.
- ## شمیسا، سیروس. (1381). **بیان و معانی**. تهران: فردوس.
- ## صفوی، کوروش. (1379). **درآمدی بر معنی‌شناسی**. تهران: سوره مهر.
- ## فخر رازی، **مفاتیح الغیب**. 1982، ج 6. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ## فروزانفر، بدیع الزمان (1361) **احادیث مثنوی**، تهران: امیرکبیر، چ 3.
- ## قاسم زاده، حبیب‌الله. (1379). **استعاره و شناخت**. تهران: فرهنگان.
- ## کریمیان، حسین. (1354). **ری باستان** (مباحث جغرافیایی شهر ری به عهد آبادی). چ 2. ج 1. تهران: دانشگاه ملی ایران
- ## کزازی، جلال‌الدین. (1368). **بیان (زیبایی‌شناسی سخن پارسی)**. تهران: مرکز.
- ## کلیم، لستر و دیگران. (1338). **جغرافیای اقتصادی**. ترجمه فتح‌الله حکیمی. تهران: امیرکبیر.
- ## لیکاف، جرج و جانسون، مارک. (1394). **استعاره‌هایی که با آنها زندگی می‌کنیم**. ترجمه هاجر آقابراهیمی. تهران: علم.
- ## مدرسی، یحیی. (1368). **درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان**. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ## میرجهانی، سیدمحمدحسن. (۱۳۹۸ق). **جنه العاصمه**. تهران: کتابخانه صدر.
- ## نجم‌الدین رازی. (1387). **مرصادالعباد**. به اهتمام محمدامین ریاحی. چ 13. تهران: علمی و فرهنگی.
- ## هاوکس، ترنس. (1377). **استعاره**. ترجمه فرزانه طاهری. تهران: مرکز.
- ## همایی، جلال‌الدین. (1377). **بلاغت و صناعات ادبی**. تهران: هما.

مقاله‌ها:

- انوار، امیرمحمود و حسن عبدالحسینی (1389). «**بررسی تطبیقی استعاره از دیدگاه عبدالقاهر جرجانی و آریو آرمسترانگ ریچاردز**». بهارستان سخن. س 6. ش 16. صص 59-80.
- ریاحی، محمدامین. (1387). «**مقدمه مصحح**» مندرج در مرصادالعباد، نجم‌الدین رازی؛ به اهتمام محمدامین ریاحی، چ 13. تهران: علمی و فرهنگی. صص 9-126.
- فاضلی، فیروز و دیگران. (1392). «**رهیافت میان فرهنگی به گیاه و درخت در اساطیر و ادبیات**». ادب پژوهی گیلان. ش 23. صص 9-33.
- فریمین، مارگارت اچ. (1390). «**شعر و حوزه استعاره**» مندرج در استعاره و مجاز با رویکردی شناختی. گردآوری آنتونیو بارسلونا. ترجمه فرزانه سجودی و دیگران. تهران: نقش جهان.
- کریمی، طاهره و علامی، ذوالفقار. (1392). «**استعاره‌های مفهومی در دیوان شمس بر مبنای کنش حسی خوردن**»؛ نقد ادبی، س 6. ش 24. صص 143-168.
- کووکسس، زولتان. «**دامنه استعاره**» (1390). مندرج در استعاره و مجاز با رویکردی شناختی. گردآوری آنتونیو بارسلونا. ترجمه فرزانه سجودی و دیگران. تهران: نقش جهان.
- گلفام، ارسلان و یوسفی‌راد، فاطمه. (1381). «**زبان‌شناسی شناختی و استعاره**»، تازه‌های علوم شناختی. س 4. ش 3، صص 59-64.

لنار، ژاک. (1392). «جامعه‌شناسی ادبیات و شاخه‌های گوناگون آن»، مندرج در درآمدی بر جامعه‌شناسی ادبیات، گزیده و ترجمه محمدجعفر پوینده. چ3. تهران: نقش جهان.

لیکاف، جورج. (1382). «نظریه معاصر استعاره» (استعاره مبنای تفکر و زیبایی‌آفرینی). ترجمه گروه مترجمان. به کوشش فرهاد ساسانی. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، سوره مهر (حوزه هنری).

هاشمی، زهره. (1389). «نظریه استعاره مفهومی از دیدگاه لیکاف و جانسون». ادب پژوهی. ش 12. صص 119-140

_____. (1392). «مفهوم ناکجاآباد در دو رساله سهروردی بر اساس نظریه استعاره شناختی». جستارهای زبانی، دوره 4، ش 3. پیاپی 15. صص 237-260 (الف در متن)

_____. «زنجیره‌های استعاری محبت در تصوف» (1392)؛ فصلنامه نقد ادبی، س 6، ش 22، صص 29-48 (ب در متن)

_____. و قوام، ابوالقاسم. (1392). «بررسی شخصیت و اندیشه‌های عرفانی بایزید بسطامی بر اساس روش استعاره شناختی»، مجله علمی پژوهشی جستارهای ادبی، ش 182، صص 75-104. پی‌نوشت‌ها:

1. ن.ک. حدیث «السَّعِيدُ مَنْ سَعَدَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ وَ الشَّقِيُّ مَنْ شَقِيَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ» (جامع صغیر، ج 1: 36 به نقل از فروزانفر، 1361: 35).

2. نیز برای اطلاعات بیشتر ن.ک. تاریخ کشاورزی و دامپروری در ایران. هادی الفتی. تهران: امیرکبیر. 1374.

3. ن.ک. «فهرستنامه اهم متون کشاورزی در زبان فارسی». ایرج افشار. نشریه آینده. س 8. ش 10. 1361. صص 686-694 و ن.ک. «نگاهی اجمالی به رساله‌های قدیمی کشاورزی فارسی». ژیا و سل. ترجمه عبدالحمید روحبخشان. مجله نشر دانش. ش 54. 1368. صص 10-15.

4. البته بدیهی است که مفهوم شهر نباید تصور زندگی صنعتی را به ذهن متبادر نماید.

5. ن.ک. «درخت در اساطیر کهن». جان صدقه. ترجمه محمدرضا ترکی. نشریه شعر. ش 26. 1378. صص 140-145.

6. ن.ک. «نماد گیاه، و گیاه درمانی در باور عامه». محسن میهن دوست. رودکی. اسفند 1385 و فروردین 1386. ش 12 و 13. صص 60-70.

7. ن.ک. «کشاورزی در اسلام». محمدمهدی فجری. نشریه مبلغان. 1388 و 1389. ش 126. صص 50-64.

8. ن.ک. قرآن کریم، سوره واقعه، آیه 64. ن.ک. قرآن کریم، سوره تین آیه 1، همچنین ن.ک. «کشاورزی پایدار در قرآن». عباس یداللهی و دیگران. نشریه کشاورزی و تولید پایدار. ج 22. ش 2. 1391. صص 101-111.

9. ن.ک. «نمادهای تمثیلی و اساطیری گیاه و درخت در مثنوی مولوی». حمیرا زمردی. ضمیمه مجله ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، 1381. صص 109-126. و ن.ک. «کارکردهای هنری گل و گیاه در شعر حافظ». محمد ایرانی و زهرا منصوری. بهار ادب. س 4. ش 1 (پیاپی 11) 1390. صص 329-338. و ن.ک. «گیاه درمانی در شعر فارسی». منصوره معینی و اکبر کلاهدوزان. مجله طب سنتی اسلام و ایران. س 2. ش 3. سال 1391. صص 319-332.